

پیروزی در نبردهای فردا در گرو پیروزی در نبردهای امروزست! رهنمود هائی برای تداوم و گسترش مقاومت‌های توده ای

مردم در ابعاد وسیع پا به میدان مبارزه گذاشته اند و زنگ سرنگونی رژیم منحوس جمهوری اسلامی به صدا در آمده است. در چنین شرایطی نه تنها ضروریست که دید واضح و صحیحی از اهداف کوتاه مدت و درازمدت مبارزه خود داشته باشیم بلکه همچنین لازمست که دید روشن و درستی از روشهای دست یابی به این اهداف هم کسب کنیم. لازمست مبارزه هر مرحله را با اتخاذ شکل های مبارزاتی مناسب و ایجاد تشکلهای مناسب پیش ببریم و دشمن را قدم به قدم به عقب برانیم و زمینه را برای نبردهای سرنوشت ساز آتی فراهم کنیم.

رهنمودهای زیر برپایه تجارب مبارزات اخیر و نیازهای عینی این مرحله از مبارزات مردم تهیه شده است. ما از کلیه فعالین در صحنه و نیروهای انقلابی می خواهیم که با اتکا به تجارب گذشته و جمع‌بندی از ابتکارات و خلاقیت‌هایی که توده ها در خیزشهای اخیر از خود نشان داده اند این رهنمودها را کاملتر کنند و کمک کنند تا فراگیر شود.

۱- پیش بسوی تشکیل کانونهای هماهنگی مبارزات دانشجویی و مردمی

هیچ خیزش توده ای بدون داشتن تشکیلات و رهبری تداوم نمی یابد. مهمترین ضعف خیزش کنونی فقدان رهبری است؛ فقدان نهادها و تشکلاتی است که بتوانند آنها هدایت کنند. امروزه با تشکیل «کانونهای هماهنگی مبارزات دانشجویی و مردمی» می توان به این نیاز پاسخ داد. کانونهایی که از آگاه ترین، مبارز ترین، جسورترین و قابل اعتمادترین افراد تشکیل شده باشد. تشکیل چنین کانونهایی بدور از چشم عوامل دشمن در هر دانشگاه، دبیرستان، محله، کارخانه و روستا ضروریست. این کانونها با گردهم آمدن چند نفر رفیق و هم‌رزم تشکیل می شوند و از طریق شبنامه یا دهان به دهان به مردم محیط خود رهنمود می دهند که چگونه مبارزات را بطور جمعی پیش ببرند و اخبار و تجارب مبارزات نقاط دیگر را به اطلاع مردم می رسانند. در واقع کار این کانونهای عملیاتی این است که مقاومت‌های مردمی را سازمان دهند و آنها هدایت کنند. امروز در سطح کوچک و ساده و به مرور در سطوح پیچیده تر و عالیتر. در سر لوحه فعالیت‌های این کانونها باید این شعار قرار داشته باشد که «قدرت از آن مردم است»؛ «این مردمانند که شایسته حکومتند و توانائی آنها دارند، حکام کنونی امتحان خود را پس داده اند، گورشان را باید گم کنند»؛ «ما منجی و قیم داخلی و خارجی نمی خواهیم». دانشجویان مبارز که با جرات و جسارت جرعه مبارزات سیاسی اخیر را زدند و آنها به حریقی در سراسر کشور تبدیل کردند می توانند و باید در ایجاد چنین کانونهایی پیشقدم و پیشرو باشند. آنان نه تنها می توانند در محیط دانشگاه ها برای ایجاد کانونهای رهبری کننده جنبش دانشجویی تلاش کنند، بلکه در محیط مدارس و شهرستانهای خود نیز می توانند به ایجاد هسته ها، کمیته ها و کانونهای رهبری کننده انقلابی یاری برسانند.

هر يك از این نهادها می توانند به نسبت نیرو و سطح تکامل خود برخی از وظایف زیر را انجام دهند و در جریان انجام آنها کم کم در عمل به کانونهای رهبری کننده یا هماهنگ کننده جنبش دانشجویی، مبارزات مردم يك محله، يك مدرسه، يك کارخانه، يك بیمارستان، يك منطقه یا يك شهر و غیره تبدیل شوند. وظایف این کانونها میتواند این باشد:

1. هنگام براه افتادن مبارزات توده ای، ارائه رهنمودهای عملی برای تقویت و ادامه دار کردن آن. ارائه به موقع تاکتیکهای مبارزاتی همچون تمرکز و پخش نیروها برای انجام تظاهراتی موضعی، کشاندن به موقع صحنه های نبرد های شبانه از خیابانها و میدانها به محلات و بالعکس؛ شعار نویسی و غیره.
2. تدوین سیاست برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم. مثلا اگر رژیم دانشگاه ها را می بندد تا مانع از گسترش مبارزه دانشجویی و پیوستن مردم به دانشجویان شود، کانونهای دانشجویی می توانند به دانشجویان در مورد ضرورت مبارزه برای باز نگاه داشتن دانشگاه ها فراخوان دهند و روشهای مبارزاتی مناسب ارائه دهند.
3. جمع‌بندی از ابتکارات و خلاقیت‌های مبارزات توده ای در خنثی کردن روشهای سرکوب دشمن و رساندن آن به اطلاع مردم از طریق شبنامه و غیره. وقتی در يك نقطه توده های مردم روشهای مبارزاتی جدیدی را ابداع می کنند باید خبر آن را به بقیه رساند. مثلا زنان در برخی از رزمهای شبانه روسری از سر برداشتند و بدون روسری در صحنه مبارزه حضور یافتند. یا جوانان و نوجوانان نیروهای امنیتی لباس شخصی را در پس کوچه ها گیر انداخته و موتورهایشان را به آتش کشیدند. فراگیر کردن این شکلهای مبارزاتی بسیار مهم است.
4. کمک به ایجاد تشکلات رزمی مانند دسته های رزمنده جوانان برای مقابله با اوباش دشمن، دسته های رزمنده زنان برای دفاع از خود، دسته های رزمنده کارگران برای دفاع از کارخانه و اعتصاب ها و غیره.
5. ایجاد شبکه خبر رسانی مبارزات مردم به یکدیگر با صد تدبیر و به صد طریق

6. ایجاد همبستگی میان مردم از طریق فراخوان به مردم که از مبارزات مختلف حمایت کنند. مثلا وقتی خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل اوین جمع می شوند تا از وضع دلبدان خود مطلع شوند یا به زندانی شدن آنان اعتراض کنند، رفتن به مقابل زندان اوین و همدردی با خانواده های زندانیان سیاسی يك شکل مبارزاتی بسیار مهم است. وقتی که کارگران بخاطر حقوق های معوقه خود تحصن می کنند، رفتن دانشجویان به میان این کارگران و سد ایجاد کردن در مقابل تعرض اوباشان رژیم به کارگران، يك شکل مبارزاتی بسیار خوب است. حرکت های دیگر که همبستگی میان مردم را نشان میدهد همچون اعزام گروه های همبستگی متقابل به دانشگاهها، به محلات، به کارخانه و به مناطق ملل تحت ستم. همه و همه به مقتضای شرایط و ضروریتهای می توانند بکار گرفته شوند.

7. جمع آوری اسامی بازداشت شدگان و جانباختگان و انتشار آنها در سطح گسترده.

8. ایجاد صندوقهای جمع آوری کمک مالی برای تداوم مبارزه و کمک به خانواده های بازداشت شدگان و جانباختگان خیزشهای اخیر.

9. ایجاد کانون های مبارزه ادامه دار مانند تجمع خانواده مبارزینی که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی رژیم جان باختند؛ دست زدن به تلاش جمعی برای بر پا کردن بناهای یادبود بر مزار جانباختگان. مانند بر پا کردن بنای یادبود در خاوران و آمل و در شهرهای مختلف بر سر مزار جانباختگان خلق.

تنها با ایجاد و به هم پیوستن چنین کانونهایی است که می توان به معضل فقدان تشکیلات و رهبری در شرایط کنونی و نیاز مردم به اتحاد گسترده پاسخ داد. مردم به نیروی خویش اعتماد و باور کرده اند. آنان به قیام و منجی نیاز ندارند. نیاز به رهبری و تشکیلاتی دارند که از میان خودشان برخاسته باشد. فقط کسانی که به نیروی خود و مردم اعتماد ندارند دنبال کاوه و اسکندر در داخل و خارج از کشور می گردند. ما نه کاوه می خواهیم که شاهی را بردارد شاهی دیگر جایش بگذارد نه اسکندری چون امپریالیسم آمریکا که نوکری را بردارد نوکری دیگر بجایش بگذارد. ما می خواهیم قدرت از آن مردم باشد. هر چقدر مردم گسترده تر و عمیقتر، قاطع تر و رزمنده تر و آگاهانه تر و سازمانیافته تر به مبارزه علیه جمهوری اسلامی برخیزند؛ و هر چقدر کمونیستهای انقلابی بتوانند با چنین کانونهایی پیوند بخورند و افق و اهداف عالی پیشروی آنها قرار دهند، زمینه برای شکل گیری رهبری حقیقتا انقلابی بیشتر فراهم می شود.

۲- پیش بسوی در هم شکستن طرحهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی

تنها با به شکست کشاندن يك به يك طرحهای سرکوبگرانه دشمن میتوان زمینه مساعدی را برای گسترش مبارزه و ارتقاء آن به سطوح بالاتر فراهم کرد. پیکارهای بزرگی در راهست و باید برای مقابله با وحشیگریهای گوناگون رژیم آماده شد. نبردهای امروز مدرسه جنگی است برای جنگهای بزرگتر و نابودی قوای اصلی سرکوب یعنی ارتش و پاسداران. یعنی برای جنگ دراز مدت خلق که تنها راه رهائی است. هر چقدر نبردهای امروز را با موفقیت به پیش ببریم، آمادگی بیشتری برای نبردهای تعیین کننده فردا کسب خواهیم کرد. امروزه خنثی کردن و بی اثر کردن طرحهای مشخص دشمن گام تعیین کننده ای برای گسترش مبارزه است.

مائو رهبر طبقه کارگر جهانی زمانی گفت: «خودت را بشناس، دشمن را بشناس صدبار می جنگی و به خطر نمی آفتی.»

در این مرحله، رژیم به دستجات فاشیستی انصار حزب الله و لباس شخصی ها که نود درصد آنها از اعضاء نیروهای انتظامی در لباس مبدل هستند، اتکاء می کند تا مانع گسترش جنبش مردم شود. این دستجات مستقیما تحت هدایت وزرات اطلاعات و ارگانهای مخفی سرکوب هستند و نیروهای انتظامی رسمی در درگیری ها خیابانی مستقیم و غیر مستقیم از آنان حمایت می کنند. دستجات انصار حزب الله مرکب از رذل ترین، فاسد ترین، کثیف ترین عناصر جامعه هستند و در چند ده دسته پنجاه نفره تحت رهبری هیئت مولفه اسلامی و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم سازمان یافته اند. هسته اصلی حمله کنندگان به تظاهراتهای توده ای را اینان تشکیل می دهند. آنان همراه با نیروهای بسیج محلات که از عقب مانده ترین و فرصت طلب ترین افراد هر محل تشکیل شده اند و عمدتا نقش هوراکشی برای انصار را بر عهده دارند، به تظاهراتها حمله می کنند. شیوه آنها که غالبا موتور سوار هم هستند اینگونه است که ناگهان به تجمعات توده ای یورش می آورند و چند جوان را از میان جمعیت می دزدند و پس از ضرب و شتم وحشیانه تحویل نیروهای انتظامی می دهند و اینگونه با ایجاد جو ارعاب مردم را پراکنده می کنند.

وجه دیگر شیوه سرکوب رژیم، شناسائی فعالین و شرکت کنندگان در تظاهراتها از طریق فیلم برداری و کسب اطلاعات از طریق جاسوسان و سپس دستگیری آنها است.

جنگ و گریزهای اخیر نشان داد هر آنجائی که دانشجویان و مردم ابتکار عمل به خرج دادند و شیوه های مناسب بکار بردند توانستند از پس این باندهای کثیف و شیوه های جنایتکارانه شان برآیند و جواب درخوری به آنها بدهند. مسلما این روشهای مردمی باید کارآمدتر، سازمانیافته تر و همه گیرتر شود تا بتوان انصار حزب الله و نیروهای انتظامی شخصی

پوش را از دور خارج کرد. برای اینکار باید هزینه شرکت اعضای انصار در چنین سرکوبهائی را بالا برد و از این طریق بسیجی های متزلزل را متفرق کرد و بر دل پایه های اندک رژیم خوف انداخت.

کارهایی که می توان با اتکاء به مردم انجام داد:

10. باید نیروهای امنیتی و انصار حزب الله و پاسدار شخصی پوش را شناسائی کرد و در سطح وسیع اسامی و تصاویر شان را پخش کرد. نوشتن اسامی آنها بر دیوارهای محلات و درج در سایتهای اینترنتی از جمله روش های شناساندن آنهاست. بهترین کار یافتن محل زندگی آنان و نوشتن اسامی شان بر دیوار محل زندگیشان است.

11. باید به شیوهای گوناگون عرصه را بر اعضای بسیج محلات و جاسوسان هر اداره، کارخانه و محله و دانشگاه و اعضاء حراست تنگ کرد. نگذاشت آب راحت از گلولی شان پائین رود.

12. يك روش مبارزه آنست که تیم های ۶ - ۵ نفره جوانان در محل تظاهراتها بشکل مخفی حضور یابند و زمانی که دسته ای از انصار با حمله به صف مردم چند نفر را محاصره می کنند، حلقه محاصره بزرگتری دور آنها بکشند و به کمک مردم، دستگیرشدگان را رها کرده و اعضای انصار را گوشمالی دهند. اعضاء انصار باید آنچنان صدمه ببینند که قادر نباشند در سرکوبهای روز بعد شرکت کنند.

13. باید تحرك بالایی انصار حزب الله را به ضد خود تبدیل نمود. آنها با موتور فقط در خیابانها و میادین اصلی قادر به مانور دادن هستند، در خیابانهای فرعی، کوچه پس کوچه ها و حتی پیاده روها از تحرك زیادی برخوردار نیستند با اینکار عمل هایی چون کشاندن تظاهراتها به چنین نقاطی می توان برای آنها دام گذاشت و به حسابشان رسید.

14. تا کنون عده ای از جوانان انقلابی هنگام عبور موتورهای انصار حزب الله به کمک سیمهایی که از دو طرف خیابان کشیده می شود، موتورهای شان را چپه کرده و به آتش کشیدند. این تاکتیک بسیار موثر است.

15. برای حفظ امنیت شرکت کنندگان در تظاهرات، کلیه دوربینهای متعلق به ترافیک شهر را باید نابود کرد. نباید گذاشت کسی از صحنه های درگیری عکس یا فیلمی بگیرد. تجربه دوره اخیر نشان داد که از بالای ساختمانها ماموران رژیم به چنین کاری مبادرت می کنند. هشیارانه باید مکان این ماموران را کشف کرد و آنان را گوشمالی داد. بهتر است، همه در این درگیری ها با دستمال چهره خود را بپوشانند.

16. کسانی که به کارهای تبلیغی همچون شعار نویسی مبادرت می ورزند باید از دستکش استفاده کنند. کسانی که از تلفنهای همراه برای تماس گیری و سازماندهی نیروها استفاده می کنند باید حافظه تلفنهای خود را سریعاً پاک کنند. طی بازداشتهای اخیر رژیم برای شناسائی فعالین به رنگ ناخن، حافظه تلفنها و حتی اثرات ضرب و شتم بر بدنها توجه کرده است.

17. به ماموران هیچ يك از ارگانهای سرکوب دولتی حتی شهرداریها نباید اعتماد کرد؛ نباید فراموش کرد که شهردار کنونی تهران از عاملین مستقیم قتل دکتر سامی بوده است.

18. باید برای انتقال زخمی ها از ماشینهای شخصی استفاده کرد؛ در مواردی دیده شده که ماموران اطلاعات با استفاده از پوشش آمبولانسها زخمی ها را به جاهای نامعلوم انتقال داده اند و از سرنوشت شان اطلاعی در دست نیست.

19. از طریق سازمان دادن پیک هائی بین محلات گوناگون و خوابگاههای دانشجویی می توان مبارزات را هماهنگ کرد. با ارزیابی از تناسب قوا میان مردم و ماموران به موقع از شیوه پخش و تمرکز نیروها سود جست تا مردم صدمات کمتری متحمل شوند. کانونها باید به مردم گوشزد کنند که به رهنمودهای عملیاتی تلویزیونهای لس آنجلس گوش فرا ندهند. زیرا از مغزهای ساده و عقب افتاده کسانی که توسط قدرتهای خارجی اجبر شده اند و مزد می گیرند، سرچشمه می گیرد. اینهایی که پشت تلویزیون مانند فرماندهان عملیات رهنمود صادر می کنند، دلکان و عروسکهای خیمه شب بازی هستند که حتا مورد تمسخر و مضحکه اربابانشان قرار دارند. آنان و اربابانشان بدنبال آنند که از پوست مردم برای خود لباس عروسی بدوزند. بنابراین اصلاً قابل اعتماد نیستند.

۳ - مبارزین نسل گذشته باید بیش از پیش پا به میدان مبارزه بگذارند

برای اینکه نتایج ایندوره از مبارزه به نفع مردم و نیروهای انقلابی تمام شود تجارب و آگاهی نسل قبل با شور و جسارت نسل جدید باید در هم آمیخته شود. متأسفانه بسیاری از انقلابیون نسل قدیم در صحنه های گوناگون پیکار با جمهوری اسلامی و در قتل عامهای سال شصت در زندانهای جمهوری اسلامی کشته شدند. فقدان آن یاران یکی از نقطه ضعفهای بسیار مهم مردم است. رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیستها و نوکران سلطنتی آنان سعی می کنند بدکتر از این کمبود مردم استفاده کنند. در اینجاست که به بزرگی مسئولیتی که بر دوش آن دسته از رفقای که خاطره سرخ یاران و تجارب گرانبهای نبردهای سخت گذشته را در دست دارند، پی می بریم. آنان باید فعالانه پا به میدان بگذارند تجارب انقلابی خود را در اختیار نسل جدید بگذارند؛ در ارتقاء آگاهی ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی جوانان مصرانه بکوشند؛

اصول اولیه مبارزه جمعی و متشکل و فنون اولیه مبارزه مخفی را پیگیرانه در اختیار جوانان انقلابی قرار دهند. هنوز تناسب قوای میان مردم و دشمن بگونه ای به هم نخورده که امروزه انتظار آن باشد که مبارزین نسل قبلی بویژه زندانیان سیاسی سابق که کماکان زیر ضرب دشمن قرار دارند بطور علنی در جلوی صف قرار گیرند. اما جوانان محقانه این انتظار را از مبارزین نسل قبل دارند که از انجام هر کاری که از دستشان برای متشکل و مجرب کردن توده ها بر می آید، کوتاهی نکنند. به تشکیل «کانونهای هماهنگی مبارزات دانشجویی و مردمی» و دیگر تشکلات توده ای یاری رسانند، توانائی و دانش جمعی توده ها را برای خنثی کردن طرحهای دشمن شکوفا کنند. دشمن در شرایط ضعیفی قرار دارد، پیشبرد روشهای سابق برای پیگرد انقلابیون و سرکوب تشکلات انقلابی برایش نه آسان است نه میسر. جمهوری اسلامی در دریای خشم مردم به محاصره در آمده، محاصره ای که هر لحظه حلقه اش تنگ تر می شود. یک بار دیگر مبارزین نسل قبل توسط تاریخ فراخوانده شده اند که نقش خود را بازی کنند.

ما از این رفقا و همه انقلابیون می خواهیم که لحظه را دریابند وقت تنگ است و کارهای زیادی است که انجام شان طلب می شود.